



کتابشناسی موضوعی تفسیر بر اساس ترتیب نزول

سید حجت جعفری

کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

پیش‌گفتار

کتابشناسی امروزه به عنوان یک رشته علمی مطرح است که در آن روش به دست آوردن اطلاعات درباره کتاب‌ها و تحقیق در آنها و عرضه آن به صورت منظم مورد نظر است.

کتابشناسی، به ویژه کتابشناسی موضوعی به عمر پژوهشی محققان و دانشمندان و همه کسانی که به نوعی با کتاب سر و کار دارند می‌افزاید و میدان تحقیق را برای آنان گسترش می‌دهد و مسائلی را که به ذهن پژوهشگر نمی‌آید، در مقابل دیدگان او به تصویر کشیده ردیف کرده و افق‌های جدیدی را برای او ترسیم می‌نماید و دسترسی محقق را به منابع مختلف ممکن می‌سازد، چرا که شناخت منابع از اولین گام‌های تحقیق و پژوهش در یک موضوع است و پژوهشی عمیق و پربار است که از منابع زیادی استفاده کرده باشد.

در این مجموعه که پیش رو دارید، بر آن شدیم تا کتاب‌ها و منابعی را که درباره تفسیر قرآن بر اساس ترتیب نزول تدوین یافته و بدان‌ها دست یافته‌ایم، فهرست کنیم.

از آنجا که نخستین گام در پژوهش و سامان بخشی به هر موضوع، آشنایی کامل و دقیق از تحقیقات انجام شده در آن موضوع است و دوباره کاری‌ها، پربار نبودن و ناستواری برخی پژوهش‌ها بیشتر به خاطر بی‌اطلاعی پژوهشگر از سرچشمه‌های بحث و منابع در خور مراجعه در آن موضوع است. شناسایی و شناساندن منابع و کتابشناسی‌های موضوعی امری ضروری است که باید این مهم هر چه بیشتر و بهتر با روش‌های جدید و کارآمد مورد توجه قرار بگیرد.

باید گفت در این زمینه کمبودها بسیار است و تلاش‌های صورت گرفته با کاستی‌های فراوانی در کمیت و کیفیت روبرو است. جا دارد کتابشناسان خبره و باتجربه به این مهم پردازند تا ضمن معرفی فعالیت‌های انجام شده به پژوهشگران، خلأهای موجود نیز روشن گردد تا پژوهشگران به تلاش‌های روزآمد و نیازهای بایسته پردازند.

کتابشناسی‌های موضوعی قرآن که تاکنون فراهم آمده است نیز همانند موضوعات دیگر بسیار ناقص و غیرمتقن است و در آن استقصای کامل صورت نگرفته و پاسخگوی نیاز پژوهشگران نیست.

بیش از چهارده قرن از نزول آخرین کتاب آسمانی می‌گذرد. اهتمام به این کتاب جاودانه و مهم‌تر از آن تفسیر و تبیین معارف وحی از صدر اسلام تا کنون پیشینه دارد. عالمان و مفسران از نخستین سده‌های اسلام تاکنون، هر یک با نگرشی و از زاویه‌ای ویژه به قرآن نگریسته‌اند و به شرح و تبیین آن به فراخور حال و بضاعت خویش دست یازیده‌اند. فن تفسیر از عصر صحابه و تابعان و تابعان آنان تاکنون دوره‌های گوناگونی را پشت سر نهاده و با شیوه‌های فقهی، نقلی، عقلی، علمی، فلسفی، کلامی، اخلاقی، تربیتی، ادبی، بلاغی، اجتماعی، طبیعی و ... دنبال شده است.

تلاش دانشمندان در عصر تألیف، میراثی ارجمند و غنی برای پیشینیان به یادگار گذاشته است و سرانجام در قرن چهاردهم، تفسیر قرآن به اوج شکوفایی و گستردگی خود رسیده است و تحوّل و پیشرفتی چشمگیر در سنجش با سده‌های پیشین یافته است. مهم‌ترین محورهای این پیشرفت بدین قرار هستند:



۱. تحول در نظام تفسیر نویسی.
 ۲. تحول در نگرش به قرآن و آفرینش فضاهاى تازه و چشم‌اندازهاى نوپیدا در این راستا.
 ۳. طرح موضوعات روزآمد و مورد نیاز در مقوله‌هاى سیاسى، فرهنگى، اجتماعى و ...
 ۴. تکامل و جامعیت روش‌هاى تفسیرى.
 ۵. فراوانى و فراگیرى در عرصه اندیشه‌ها و باورها.
- اینک در راستای کتابشناسی موضوعی قرآن، به معرفی و شناسایی کتاب‌هایی که درباره تفسیر قرآن به ترتیب نزول به نگارش در آمده‌اند یا بخشی از آنها این مقوله را در بردارد، می‌پردازیم.

۱- بیان المعانی علی حسب ترتیب النزول (عربی)، سید عبدالقادر ملاحویش آل غازی العانی

ملاحویش آل غازی از مردم سوریه و دانشمندان آن دیار است که حنفی مذهب و در نسب، منتسب به ذریه طاهره امام موسی بن جعفر علیه السلام است. وی مدعی است اولین تفسیری است که قرآن را بر حسب ترتیب نزول آیات (ترتیب مصحف علی علیه السلام) و با روش تاریخ گذاری آیات قرآن تفسیر کرده است. او در مقدمه این تفسیر می‌گوید:

«باید قرآنی چون قرآن امام علی - کرم الله وجهه - که بر حسب نزول ترتیب یافته بود نوشت؛ نه آنکه ادعا کنیم قرآن موجود توقیفی نیست و باید نظم آن به هم بخورد، بلکه این روش برای درک پیام قرآن و عرضه آن بر توده مردم با شناخت تاریخ نزول و اسباب نزول و آگاهی از مطلقات و مقیدات و دیگر خصوصیات آن، آسان‌تر خواهد بود. من در تفسیر این روش را از ایشان (امام علی علیه السلام) برگزیدم و کسی در فواید بسیار آن تردید ندارد.»

ملاحویش سبب اهتمام به روش تفسیر ترتیب نزولی را فوایدی می‌شمارد که بر آن مرتب می‌گردد. ایشان می‌گوید:

«باید دانست که بی‌تردید تفسیر قرآن مطابق نظر امام علی - کرم الله وجهه - پرفایده است؛ زیرا ترتیب نزول غیر از (ترتیب) تلاوت است و علما چون آن را به ترتیب مصاحف تفسیر کردند، ناگزیر شدند که با عبارات تکراری بدان اشاره کنند؛ زیرا اختلافی که میان ترتیب قرآن در مصاحف و ترتیب نزول هست، تکرار را ایجاب می‌کند و به قطور شدن تفاسیر می‌انجامد. اختلاف در اسباب نزول و ناسخ و منسوخ، و قبول و رد آنها نیز از همان ناشی گردیده است. من طی جستجویی دریافتم کسی قبلاً به تفسیری از قرآن نپرداخته است که متناسب اشاره امام علیه السلام باشد و خواننده را از رنج آن اختلافات برهاند و چگونگی نزول قرآن را به او بشناساند و به اسباب نزول آن بیآگاهاند و لذت معانی و مزه اختصار مبانی‌اش را به صورت آسان و روان و خلاصه و خالی از رد و قبول و سالم از عیب و علت و محفوظ از خطا و لغزش به او بچشانند.» (۴/۱)

شایان ذکر است عبدالقادر از سویی به توقیفی بودن ترتیب سوره‌ها و نیز ترتیب آیات آنها عقیده دارد و همین‌طور قائل است که پاره‌ای از آیات مدنی در سوره‌های مکی و بالعکس، و نیز پاره‌ای از آیات متأخرالنزول در سوره‌های متقدم‌النزول و بالعکس وجود دارد و این به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله صورت گرفته است، ولی از سوی دیگر ترتیب سوره‌های مصاحف را نادیده گرفته و به قول خود طبق نظر امام علی علیه السلام تفسیری به ترتیب نزول فراهم می‌آورد.

جمع این دو عقیده در خصوص ترتیب سوره‌ها برای او مشکلی پدید نمی‌آورد، اما در مورد ترتیب آیات برای او ایجاد مشکل می‌کند. از این رو در تفسیرش به خود اجازه نمی‌دهد که آیات را از جایشان تغییر داده، به ترتیب نزول بیاورد؛ به این دلیل که ترتیب آیات سوره‌ها توقیفی است و این کار، نظام قرآن را از هم می‌گسلد. وی در این گونه موارد اشاره می‌کند که آن آیات در زمان دیگری نازل شده است. روش بحث عبدالقادر در خصوص آیات و سوره‌های قرآن بدین ترتیب است که در صدر تفسیر هر سوره، مکی و مدنی آیات آن را یاد کرده، سپس چنانچه درباره نسخ آیاتی از آن قولی رسیده باشد، به ذکر آن مبادرت می‌ورزد. وی



معمولاً قول به نسخ را در صورتی که با شروط اصولی نسخ منافات داشته باشد، رد می‌کند (همان، ۷۵/ و ۸۶ و ۱۰۱-۱۰۲ و ۱۰۶)

سپس اگر ذیل آیاتی، اسباب نزولی روایت شده باشد، به نقل آن می‌پردازد و اگر روایتی بر تقدم یا تأخر نزول آن آیات دلالت داشته باشد، درباره تاریخ نزول آن نیز اظهار نظر دارد (همان، ۶۹/ و ۱۰۱-۱۰۲). نیز به ندرت با عنایت به ترتیب نزول به نقد روایات اسباب نزول می‌پردازد؛ برای مثال پس از نقل روایتی از ابن عباس مبنی بر اینکه سوره مسد پس از آیه «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (شعراء/۱۲۵) نازل شده، می‌گوید:

«صحیح نیست که این سبب نزول آن باشد؛ زیرا این آیه پس از آن (سوره) نازل شده و درست نیست که مؤخر سبب مقدم باشد؛ همچنان که درست نیست مقدم ناسخ مؤخر باشد.» (همان، ۱۲۱/)

این تفسیر در سال ۱۳۵۵ قمری نوشته شده و در سه بخش تنظیم گردیده است؛ دو بخش آن مخصوص سوره‌های مکی و یک بخش مخصوص سوره‌های مدنی است و با نام «بیان المعانی» در شش مجلد و برای اولین بار در سال ۱۳۸۲ قمری در دمشق (مطبعه ترقی) به چاپ رسیده است.

۲- التفسیر الحدیث ترتیب السور حسب النزول؛ محمد عزه دروزه (۱۴۰۴-۱۳۰۵ق)

دو سال پیش از آنکه تفسیر عبدالقادر ملاحویش از چاپ درآید، در سال ۱۳۸۰ قمری مفسر دیگری به نام محمد عزه دروزه بر اساس ترتیب نزول تفسیری را با عنوان «التفسیر الحدیث ترتیب السور حسب النزول» تألیف کرد. عزت دروزه یکی از فلسطینیان متفکر و مبارز معاصر است که سال‌های دراز با استعمارگران درگیر بوده و سال‌ها در زندان به سر برده است. تفسیر وی محصول یکی از همین زندان‌هاست. وی پس از آزاد شدن به ترکیه رفت و آن را تنظیم و فراهم ساخت و به چاپ رساند. وفات وی در سال ۱۴۰۴ قمری روی داد. تاریخ

تألیف کتاب، ۱۳۸۰ و چاپ آن در سال ۱۳۸۱ قمری در قاهره، در دوازده جلد انجام شد.

التفسیر الحدیث از جمله تفاسیر اجتهادی - عقلانی به شماره می‌آید که مؤلف بر پایه منابع و مصادر و بیشتر با تکیه بر سیاق و توجه به نظم آیات و دقت در نکات و دقایق نحوی و بیانی و به خصوص توجه به مقتضیات نزول و... به تفسیر آیات پرداخته است. مفسر در یک نگاه کلی، سوره‌ها را به دو بخش مکی و مدنی تقسیم می‌کند و پس از آن، بر اساس روش اجتهادی خود از روایات در تفسیر بهره می‌گیرد.

او برخلاف عبدالقادر در ترتیب نزول سوره‌ها تغییرات و جابجایی‌هایی را انجام داد؛ به این ترتیب که سوره فاتحه را که طبق نظر مشهور در ردیف پنجم ترتیب نزول قرار دارد، به صدر ترتیب آورد. نیز سوره‌های رعد، حج، رحمن، انسان و زلزله را در دنباله سوره‌های مکی جای داد، حال آنکه سوره‌های مذکور مدنی‌اند. همچنین سوره‌های حشر و جمعه را پیش از سوره احزاب قرار داد و سوره‌های ممتحنه و حدید را قبل از سوره توبه آورد.

دروزه در خصوص مزیت چنین تفسیری از قرآن می‌نویسد:

«ما بر آن شدیم که ترتیب تفسیر را بر وفق ترتیب سوره‌ها قرار دهیم، به این صورت که نخستین سوره مفسر، [سوره حمد و پس از آن] سوره علق باشد، سپس سوره قلم، زان پس سوره مزمل تا آنکه سوره‌های مکی پایان پذیرد. پس از آن سوره بقره، سپس سوره انفال تا آنکه سوره‌های مدنی خاتمه یابد. زیرا معتقدیم چنین روشی برترین روش فهم قرآن و خدمت بدان است؛ چون بدین وسیله می‌توان لحظه به لحظه سیره نبوی را دنبال کرد. به علاوه می‌توان حالات و مراحل نزول را به شکلی روشن و دقیق تر پی گرفت و بدین ترتیب خواننده در فضای نزول قرآن و شرایط و مناسبات و غایات و مفاهیم آن قرار می‌گیرد و حکمت نزول برایش نمایان می‌شود.» (۸/۱)

گویا دروزه از اینکه چنین تفسیری وی مخالف چیش مستند به دستور پیامبر است، نگرانی داشته و در این کار زمینه اتهام نوعی قداست‌زدایی را می‌داده است.



به همین دلیل در صدد دفاع برآمده و ضمن اشاره‌ای به این تلقی خود که در روشش تفسیر هر سوره جداگانه صورت می‌گیرد و در حقیقت این تفسیر، تفسیرهای مستقل برای سوره‌های قرآن است، می‌گوید:

«اگر این کار را به قصد ارائه متنی برای تلاوت انجام می‌دادم، ناروا و ممنوع می‌نمود؛ ولی هدف من یک کار علمی است که مفسر به برکت آن در فضای نزول تدریجی آیات قرار می‌گیرد و انگیزه‌اش برای فهم قرآن و حکمت نزول آن دوچندان می‌گردد، از طرفی با این روش، هر سوره به صورت مستقل تفسیر می‌شود و این به معنی تنظیم قرآن نمی‌باشد. گذشته از این در گذشته دانشمندانی به تفسیر واحدها یا سوره‌هایی از قرآن پرداخته‌اند، همان‌گونه که علی علیه السلام بر اساس روایتی، قرآن را بر اساس ترتیب نزول تدوین کرد، بدون اینکه با نقد و مخالفتی روبه‌رو شوند.» (همان، ۹/ و ۱۳)

درباره روش دروزه گفتنی است وی در این خصوص از منابع مختلف بهره گرفته است؛ نظیر روایات ترتیب نزول و سبک و مضمون سوره‌ها و روایات تاریخی. او تفسیر خود را با سوره حمد آغاز کرده و سپس به سوره علق می‌پردازد، در انتها نیز تفسیر خود را با سوره نصر پایان می‌دهد.

بحث لغوی بسیار کوتاه و خالی از ارائه مدرک در این تفسیر، نخستین نگاه به آیات مورد مطالعه را تشکیل می‌دهد و کار بعدی در بیشتر جاها، گزارش محتوای آیات با تعبیر «قَدْ تَضَمَّنَتْ» یا مشابه آن می‌باشد. سپس تحت عناوین «تعلیق»، «تلقین» و «استطرد»، سایر مطالب مربوطه به بحث گرفته می‌شود.

«تعلیق» اشاره به موضوعاتی دارد که در آیه یا آیاتی به صورت روشن مشاهده می‌شود و مؤلف در پرتو روایات و آیات دیگر به بررسی موضوعی آنها می‌پردازد و یا به تحقیق پیرامون زمان، مکان و شروط نزول مجموعه آیات مشتمل بر آنها همت می‌گمارد.

عبارت «تلقین» غالباً اشاره به پیام‌های قابل استفاده از آیه دارد. عنوان «استطرد» بیان مطالب خارج از موضوع مورد نظر آیه را که پیوند جزئی با آیه دارد، به بحث می‌گیرد؛ مانند بازخوانی ماجرای فتح مکه ذیل آیه ۱۰ سوره حدید.

بخش عمده «التفسیر الحدیث» را تعلیقه‌ها تشکیل می‌دهد و خیل کم به دو عنوان دیگر پرداخته شده است. نامبرده در بسیاری از موارد، روایات اسباب نزول را مورد نقد قرار داده؛ مثلاً در رد این سخن ابن عباس که سوره مسد پس از «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (شعراء/۱۲۵) نازل شده، می‌نویسد:

«ما در این سبب نزول و مناسبت نزولی که برای این سوره روایت شده، تردید داریم. سیاق آیه شعراء دلالت ندارد بر اینکه در دوره اولیه نازل شده باشد و روایات خاطر نشان می‌سازند که دعوت پیامبر ﷺ از نزدیکانش طبق آیه مذکور سوره شعراء پس از چند سالی از آغاز دعوت بوده است؛ حال آنکه سوره مسد در همان اوایل نزول یافته است، حتی ترتیب آن را ششم قلمداد کرده‌اند.» (همان، /۱۲۳)

نیز در بسیاری از موارد روایات مکی و مدنی را رد می‌کند؛ مثلاً ذیل آیه «وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ» (انعام/۹۱) می‌نویسد:

«مصحف مورد اعتماد ما روایت می‌کند که این آیه مدنی است و مفسران روایتی را آورده‌اند که خاطر نشان می‌سازد، مناقشه‌ای میان پیامبر ﷺ و یکی از احبار یهود مدینه رخ داد. پیامبر ﷺ به تورات که خدا آن را [بر آنان] نازل کرده بود، استشهاد کرد، آن گاه آن شخص یهودی سوگند خورد که خدا هیچ چیزی را بر هیچ کسی نازل نکرده است. ولی این آیه در میان آیات مکی قرار دارد و سیاق آنها از انسجام کاملی برخوردار است. مضمون روایت نیز درست نیست؛ چون بسیار بعید است که حبری یهودی نزول تورات را از جانب خدا بر موسی در حالی انکار کند که هستی یهودیان و دین آنان بر آنان مبتنی است. از این رو ما مکی بودن آن آیه را ترجیح می‌دهیم؛ بلکه بر آن قطع داریم.» (۱۹۰/۴-۱۹۱)

شایان ذکر است که در این دو تفسیر (بیان المعانی و التفسیر الحدیث) که در جهت هدایت و بررسی مسائل اجتماعی حاضر در پرتو تعالیم قرآنی نوشته شده‌اند، چیز تازه‌ای که دستاورد این شیوه (روش ترتیب نزول) باشد، به چشم نمی‌خورد و همان گونه که شیخ محمد عبده در «تفسیر المنار» و مراغی و قاسمی در



تفسیرهایشان با دیدی اجتماعی و بر اساس نیازهای روز به تفسیر پرداخته‌اند، در این دو تفسیر نیز با همان نظر ولی بدون هیچ تفاوتی در برداشت - و تنها بر حسب تفاوت در روش - عمل شده و مزیتی در آنها دیده نمی‌شود، از این رو این روش بیش از تکلفی بی‌حاصل نیست.

۳- سیرة الرسول؛ محمد عزه دروزه

دروزه پس از تألیف تفسیرش، کتابی را به نام «سیرة الرسول، صور مقتبسة من القرآن الکریم» تألیف کرد. وی در این کتاب بر پایه آیاتی از قرآن که راجع به زندگی پیامبر ﷺ است، کلیه موضوعات مربوطه را به ترتیب نزول بررسی و گزارش کرده است. او در طی این کتاب به موضوعاتی چون رفتار مشرکان، اهل کتاب و مؤمنان و نیز تک تک احکام شرعی پرداخته و سیر تاریخی هر یک از آنها را بیان کرده است.

دروزه درباره روش کار خود در این کتاب و دشواری‌های آن چنین آورده است: «ما دوست داشتیم این صور متنوع [از زندگی پیامبر ﷺ] را دوره به دوره عرضه کنیم؛ ولی چنان که روشن است، موارد تشابه [میان آیات] این کار را دشوار ساخته است؛ به علاوه شناخت صحیح تاریخ نزول سوره‌ها و گروه‌های قرآنی مکی دشوار است. البته روایاتی که در مورد ترتیب نزول سوره‌ها رسیده، قدری این دشواری را کاهش می‌دهد.

قرائتی که در مضامین سوره‌ها و گروه‌هایی از آیات است، صحیح بودن یا قریب الصحیحه بودن بسیاری از این روایات را الهام می‌کند، از این رو بر آن شدید که در بررسی این دوره و ترسیم سوره‌های قرآنی آن به شیوه‌ای عمل کنیم که میان ملاحظه زمان در حد امکان و قرار دادن سوره در چارچوب موضوع مستقل سازگاری ایجاد کنیم.

ما پس از این سخن جدولی را پیش روی خواننده خواهیم نهاد که حاوی ترتیب‌های نزول رسیده درباره سوره‌های مکی است. آنها به احتمال زیاد بر روایات و بررسی‌های نقلی مبتنی است و خواننده خواهد دید که بسیار به هم

نزدیک‌اند، طوری که احتمال قریب الصحه بودن ترتیب‌های مذکور را تقویت می‌کند. ما تأکید داریم که در بررسی سیره و مراحل آن در دوره مکی از آنها استفاده کنیم.

مع الوصف احتمال ندارد گروه‌هایی از [آیات] اش به طور پراکنده نازل شده باشد؛ زیرا از جمله اموری که شایان توجه است، این است که مضامین و نظم سوره‌ای کوتاه و مسجع در درجه اول و پیوستگی فقرات در بسیاری از سوره‌های متوسط و بلند غیر مسجع ولی برخوردار از وحدت موضوعی به نحو عام در درجه دوم، ملهم این معنایند که بیشتر سوره‌های مکی یکجا نازل شده‌اند. همچنین می‌تواند ملهم این معنا باشد که سوره‌هایی که گروه‌های [آیات] شان جدا جدا نزول یافته، [نزول گروه‌های آیاتشان] پی در پی بوده است و نزول گروه‌هایی از [آیات] دیگر سوره‌ها میان آنها فاصله نینداخته است....

گاهی اشکال می‌شود که وجود آیات مدنی در سوره‌های مکی موجود می‌گردد، در پذیرش نزول یکباره این سوره‌ها یا انضمام فقرات یا مرتب ساختن آیات آنها از دوره مکی به همان صورتی که در مصحف آمده، می‌توان درنگ کرد؛ اما بدان معتقد نیستیم؛ زیرا آیاتی که مدنی بودن آنها به ثبوت رسیده باشد یا سوره‌هایی که چنین آیاتی را در بر داشته باشند، فراوان نیستند و تناسب آنها دلالت بر این دارد که در ترتیب آیات سوره‌های مکی و انضمام فقرات آنها تغییر زیادی در دوره مدنی پدید نیامده است.» (سیره الرسول، ۱/۱۴۳-۱۴۴)

شایان ذکر است دروزه در جدولی که بدان اشاره کرده، ترتیب‌هایی را که در مصحف فؤاد، تفسیر خازن، تفسیر مجمع البیان و الاتقان سیوطی آمده و از کسانی چون ابن عباس، حسن بصری و عکرمه و جابر بن زید نقل شده، آورده است.

۴- پایه پای وحی، تفسیر تدبری قرآن بر حسب نزول؛ مهدی بازرگان (۱۲۸۶-۱۳۷۳ش)

مهندس بازرگان یکی از قرآن‌پژوهان پرکاری بود که کتاب‌های فراوانی در زمینه موضوعات قرآنی تألیف کرده است. کتاب‌هایی همچون «سیر تحول قرآن»، «باد و



باران در قرآن»، «بازگشت به قرآن»، «شناخت وحی و جمله شناسی قرآن»، «ارتباط غیر زبانی میان خدا و انسان»، «انگیزه و انگیزنده» و «توحید و طبیعت و تکامل». تفسیر «پا به پای وحی» یکی از تفاسیر تحلیلی و تاریخی بر اساس سیر نزول قرآن کریم است. این کتاب محصول تفسیر بازرگان در انجمن اسلامی مهندسان در دهه ۶۰ است. پا به پای وحی شانزده سوره قرآن را مطابق ترتیب نزول با نظم خاصی تفسیر نموده و پس از آن به مباحث علوم تجربی در قرآن کریم می‌پردازد. مفسر افزون بر اسناد تاریخی، از گروه‌بندی‌های آماری و سبک‌شناسی‌های ریاضی و تهیه جدول‌هایی از گروه‌هایی از آیات قرآن، آن سان که در کتاب «سیر تحول قرآن» تئوری آن را تبیین کرده، استفاده و بر آن اساس ترتیب را رعایت نموده است. بدین منظور در این کتاب آیات قرآنی در گروه‌های تزیلی دسته‌بندی شده‌اند.

روش بیان مطالب به این گونه است که مفسر پس از آوردن گروهی از آیات (با جدول) که در برابر هر واژه ترجمه ساده آن را نشان می‌دهد، مختصر توضیحی در دو بخش جداگانه می‌آورد: بخش تدبر و بخش تفسیر. در بخش تدبر به تاریخ و شرایط نزول اشاره دارد و در بخش تفسیر به واژه‌شناسی و توضیح کلمات و برداشت‌های تربیتی و هدایتی از آیات می‌پردازد.

مؤلف مشکل این نوع تفسیر را عدم اعتبار حداقل زمانی در تنزیل قرآن می‌داند و اعتقاد دارد که این مشکل با تألیف کتاب «سیر تحول قرآن» برطرف شده است. ولی تمام این دسته‌بندی‌ها و نمودارهای سیر تحول و نزول قرآن بر پایه‌ای سست نهاده شده و از دایره حدس و گمان فراتر نرفته است. عمده آنکه نویسنده مبنای کار خود را بر جدولی نهاده است که اساساً فاقد اعتبار است و تنها نموداری مجهول‌الیهویه است که در دوران قاجار در پایان ضمیمه «کشف المطالب» قرآن به چاپ رسیده و معلوم نیست تنظیم‌کننده آن کیست و از کجا به دست آمده است. احتمالاً کار یکی از قرآن‌پژوهان غربی زمان قاجار باشد. هر چه هست، مشحون از اغلاط و اشتباهات علمی و تاریخی است و معلوم می‌شود که تنظیم‌کننده آن در مسائل قرآنی ناآگاه بوده است، ولی اینکه چگونه فردی مانند مهندس بازرگان - با

سوابق علمی درخشان - بدین جدول ناشناخته روی آورده و آن را الگو و مبنای کار خود قرار داده، چیزی است که در پرده ابهام قرار دارد! خود چنین می‌گوید:

«پیرامون مسئله برخورد انبیا با امم گذشته در سوره عنکبوت، برای تکمیل و تفصیل فهرست، لازم شد آیات سوره‌های دیگر نیز مطالعه شود. در جمع آوری و مقابله آنها این مسئله پیش آمد که کدام دسته از آیات - مثلاً از میان آیات مربوط به حضرت نوح - باید جلوتر و کدام عقب‌تر قرار گیرد؟ برای چنین کاری، ناگزیر باید تاریخ یا لااقل ترتیب نزول سوره‌ها را بدانیم. اتفاقاً در ضمیمه قرآن (چاپ اسلامیه) بعد از صفحات کشف المطالب و قبل از صفحات کشف الآیات، جدولی دیدم که این مشکل را حل می‌کرد و یافتن چنین جدولی وسیله‌ای برای خیلی از مطالعات و استنباطات گردید.» (سیر تحول قرآن، ۱۶/)

آنچه از این تفسیر منتشر شده، مربوط به اول نزول وحی است. جلد اول و دوم این کتاب توسط دفتر نشر فرهنگ اسلامی در قطع وزیری در ۲۱۶ و ۳۴۲ صفحه منتشر شده، اما این تفسیر با روش انحصاری خودش در ایران ادامه نیافته است.

در جلد اول مفسر تا شانزده مرحله از مراحل نزول را که همگی مربوط به سال اول رسالت پیامبر است، تفسیر کرده است. در جلد دوم نیز تفسیر مراحل هفدهم تا سی و پنجم که مربوط به سال دوم رسالت است، آمده است.

۵- معارج التفكير و دقائق التدبر (تفسیر تدبری للقرآن الکریم بحسب ترتیب النزول وفق منهج کتاب قواعد التدبر الامثل لکتاب الله عزوجل)؛ عبدالرحمن حسن حبنکه الميدانی

این دوره تفسیر از معدود تفسیرهایی است که بر اساس ترتیب نزول سوره‌ها به رشته تحریر در آمده است. برای مثال در جلد اول، تفسیر سوره های زیر با این ترتیب آمده است: علق، مدثر، مزمل، قلم، فاتحه، مسد، تکویر، اعلی، لیل، فجر، ضحی، شرح، عصر، عادیات، کوثر، تکاثر، ماعون، کافرون.

عبدالرحمن حبنکه پیش از این، کتاب «التدبر الامثل لکتاب الله عزوجل» را تألیف کرده که به چهل قاعده تدبر قرآنی در هشتصد صفحه پرداخته است و پس



از آن در صدد بر می آید تا قرآن را بر اساس آن قواعد و به ترتیب نزول تفسیر نماید (همان گونه که از عنوان آن بر می آید).

او تفسیر تدبیری خود را با این چهار مقدمه آغاز می کند:

۱. مفاهیمی متعلق به استعاذه و بسمله.

۲. حکم استعاذه قبل از قرائت در نماز.

۳. بسمله (بسم الله الرحمن الرحيم).

۴. تدبیر تحلیلی درباره بسم الله.

سپس از تفسیر سوره علق شروع می کند. نکته قابل توجه آنکه او تفسیر هر

سوره را در چهار عنوان ذیل دنبال می کند:

۱- بحثی در مورد نزول سوره.

۲- متن سوره و انواع قرائت های آن.

۳- روایات و سخنانی که در مورد این سوره آمده است.

۴- موضوع سوره و موارد مربوط به آن.

ترتیب سوره ها در این دوازده جلد بدین قرار است:

جلد ۱: سوره های علق، مدثر، مزمل، قلم، فاتحه، مسد، تکویر، اعلی، لیل، فجر،

ضحی، شرح، عصر، عادیات، کوثر، تکاثر، ماعون، کافرون.

جلد ۲: سوره های فیل، فلق، ناس، اخلاص، نجم، عبس، قدر، شمس، بروج،

تین، قریش، قارعه، قیامه، همزه، مرسلات.

جلد ۳: سوره های ق، بلد، طارق، قمر، ص.

جلد ۴: تفسیر سوره اعراف، از آیه ۱ تا ۱۷۱.

جلد ۵: سوره اعراف از آیه ۱۷۲ تا انتهای سوره و تفسیر سوره جن.

جلد ۶: سوره یس.

جلد ۷: سوره های فاطر و امریم.

جلد ۸: سوره های طه، واقعه، شعراء.

جلد ۹: سوره های نمل، قصص، اسراء.

جلد ۱۰: سوره های یونس، هود، یوسف.

جلد ۱۱: سوره‌های: حجر، انعام، صافات، لقمان.

جلد ۱۲: سوره‌های سبأ، زمر، غافر، فصلت، شوری، زخرف.

تفسیر معارج التفکر اولین بار در سال ۲۰۰۰ میلادی در پانزده جلد در دارالعلم دمشق به چاپ رسید. برخی، این کتاب را عصاره و چکیده عمر عبدالرحمن حبنکه می‌دانند. وی در سال ۱۴۲۵ قمری از دنیا رفت.

۶- کتاب «پیامبری و ...»؛ جلال الدین فارسی

از سال ۱۳۶۱ شمسی، جلال الدین فارسی بر پایه ترتیب سوره‌هایی که در روایت منسوب به امام صادق علیه السلام آمده است - که موافق زمان نزول می‌باشد - یک دوره سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به نام‌های «پیامبری و انقلاب»، «پیامبری و جهاد» و «پیامبری و حکومت» تألیف کرد.

نامبرده در مقدمه کتاب نخستش تصویر جدولی را از تفسیر شهرستانی بر اساس چند روایت ترتیب نزول آورده است. این روایات عبارت اند از: ۱- روایت مقاتل ۲- روایت مقاتل از امیرمؤمنان ۳- روایت ابن عباس ۴- روایت ابن واقد ۵- روایت امام صادق علیه السلام.

وی به ترتیب‌های عکرمه، حسن بصری، جابر بن زید و محمد بن نعمان نیز اشاراتی دارد و در تأیید آنها می‌نویسد: «در جریان مطالعه و تحقیق دیدم که سیاق آیات و دلالت تاریخی آن گواه بر صحت ترتیب نزول منقول است. اسناد و روایات تاریخی و بسیاری از شأن و اسباب نزول‌ها و احادیث بر صحت ترتیب نزول آیات و وقایع به همان گونه که در روایت امام صادق علیه السلام و ابن عباس آمده است، گواهی می‌دهند. بدین سان قرآن - به عنوان تاریخ عصر رسالت - و روایت صحیح ترتیب نزول و اسناد تاریخی هم‌داستان شده‌اند.» (پیامبری و انقلاب، ۱۸/ - ۱۹)

فارسی به رغم چنین تأییدی که در مقدمه کتابش از ترتیب روایی نزول سوره‌ها به عمل آورده، همچون محمد عزه دروزه ترتیب تعدادی از سوره‌ها را تغییر داده است؛ سوره‌های حشر، منافقون و نور را به ترتیب پیش از سوره احزاب، و



سوره‌های فاتحه، نساء، ممتحنه، فتح و زلزله را به ترتیب پس از آن نهاده، و سوره‌های حج، نصر و مجادله را به ترتیب پس از سوره بینه آورده است.

مؤلف در بسیاری از موارد که به تاریخ گذاری آیات و سوره‌ها اهتمام می‌ورزد، اغلب برای آن سندی ارائه نمی‌دهد. به طور مثال، در حالی که اغلب روایات آغاز نزول قرآن را در ماه رمضان گزارش کرده‌اند، وی نزول مطلع سوره علق را در ۲۷ رجب مقارن بعثت پیامبر می‌داند و بدون استناد به روایتی، نزول مطلع سوره‌های قلم و مزمل را نیز در ماه رجب و نزول مطلع سوره‌های مدثر و مسد را در ماه شعبان و نزول سوره تکویر را در ماه رمضان سال اول می‌داند. (همان، ۵۲-۶۲)

نامبرده در تفکیک هر سوره و تعیین ترتیب نزول آنها نیز از روی ذوق و سلیقه عمل می‌کند؛ برای مثال آیات ۱ و ۲ سوره مسد را بعد از مطلع سوره مدثر و آیات ۳ و ۴ آن را پس از سوره انشراح آورده است (همان، ۶۰/ و ۷۲)؛ در حالی که آیه سوم سوره مسد با «واو» عطف شروع شده؛ «وَأَمْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ» و بعید است که چنین فقره‌ای به طور مستقل نازل شده باشد.

وی در ترتیب قصه‌ها نیز به تناقضات آشکاری گرفتار آمده است؛ به طور مثال پس از آنکه وقایع سال دهم بعثت از جمله وفات ابوطالب عليه السلام را گزارش کرده (همان، ۳۶۷)، جزو وقایع سال یازدهم هجرت ذیل آیات ۹۱ و ۹۲ سوره نحل می‌نویسد: «عثمان بن مظعون در حالی که سخت تحت تأثیر قرار گرفته است، برخاسته و از رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم خداحافظی می‌کند و نزد ابوطالب می‌رود و آن دو آیه را برایش می‌خواند، ابوطالب از آن خوشش می‌آید و...» (همان، ۳۷۶)

۷- همگام با وحی؛ عبدالکریم بهجت پور

آقای عبدالکریم بهجت پور از اندیشمندان معاصر و یکی از طرفداران نظریه تفسیر قرآن بر اساس ترتیب نزول می‌باشد که بر کارآمدی این روش نیز اصرار فراوان دارد. در مجموعه تفسیری «همگام با وحی»، قرآن کریم به ترتیب نزول سوره‌ها تفسیر می‌شود. وی در جلد نخست کتاب خود به مبانی و کلیاتی در زمینه این روش پرداخته و تنها تفسیر شماری از سوره‌ها در این مجلد ارائه شده است.

وی در مورد شیوه تفسیری خود بیان می‌دارد که این روش بر خلاف تفسیر ترتیبی و یا موضوعی عمل می‌کند و مفسر با توجه به منابع معتبر و جدولی که درباره چگونگی نزول آیات و سوره‌ها و ترتیب آن وجود دارد، به تفسیر آیات می‌پردازد. از این رو بر خلاف تفاسیر ترتیبی، ملاک مصحف کنونی نخواهد بود و بر پایه جدول فراهم آمده تفسیر انجام می‌شود.

ایشان هدف خود در این سبک تفسیری را کشف روش‌های تحول‌آفرین در قرآن کریم می‌داند و برای این منظور مقدماتی راجع به این سبک و نگرانی‌هایی که در این باب است و فوایدی که این سبک تفسیری دارد را ارائه می‌دهد و سپس وارد تفسیر سوره به سوره شده است.

وی معتقد است که تنها با تفسیر قرآن بر اساس ترتیب نزول می‌توان یک سیر منطقی برای تربیت مسلمانان و جامعه اسلامی به دست آورد، چرا که نزول تدریجی قرآن سبب تربیت و رشد جامعه عصر نزول گردیده است. از این رو باید قرآن بر این اساس تفسیر شود تا تربیت صحیح دینی و قرآن صورت پذیرد.

آقای بهجت‌پور در مقدمه کتاب خود به بیان چند مورد از تفاوت‌هایی که این سبک تفسیری با دیگر گرایش‌های تفسیری دارد، اشاره کرده است. همچنین در بعضی از سوره‌های قرآن که بنا به اعتقاد ایشان، سوره دارای یک پیام و موضوع محوری است که دیگر موضوعات آن سوره حتی یکی دو سوره بعد از آن، حول آن موضوع می‌چرخند، این محورها را تحت عنوان «گام تحول» و یا «اصل» به خوانندگان معرفی کرده و محوری‌ترین نکته در آن سوره را بیان کرده است. همچنین ایشان تلاش کرده در مقدمه، رابطه بین این سوره و سوره‌های قبل یا بعد را نیز معلوم کند.

وی در کنار این مقدمات تلاش کرده که اگر روایتی درباره فضیلت سوره‌ای وجود دارد و آن روایت در ترتیب نزول سوره‌ها دخالتی دارد و سبب نزولی را بیان کرده، به آن نیز اشاره کند و بعد از آن، هر سوره را به چند قسمت تقسیم نموده و در تقسیم سوره‌ها ارتباط بخش‌های مختلف سوره را با هم برقرار کرده است. اولین جلد این مجموعه در سال ۱۳۸۷ چاپ و منتشر شده است.



۸- فهم القرآن الحكيم؛ التفسير الواضح حسب ترتيب النزول؛ دکتر محمد عابد الجابری (۲۰۱۰-۱۹۳۵م)

محمد عابد الجابری اندیشمند نامور مراکشی، در زمره برجسته‌ترین محققان میراث فکری دوره اسلامی قرار دارد. وی متفکر نوپرداز، پراوازه و جنجال برانگیز دهه‌های هشتاد و نود قرن بیستم در جهان عرب است. از ویژگی‌های ممتاز او وجود اندیشه‌ای نظام‌مند در آثارش است.

او کوشیده تا نقد میراث را از بررسی و پژوهش در سطح آراء گذشتگان به بُن‌رسی و تحقیقی ژرف‌کاوانه در باب شالوده معرفتی این آراء و چگونگی شکل‌گیری شیوه‌های تفکر در فرهنگ عربی، اسلامی بدل سازد.

او نوشته‌هایش را از مبادی مشخصی آغاز کرده و اهداف کاملاً خاصی را در نظر دارد و در چارچوبی مشخص و نیز با به کارگیری روش و مفاهیمی ویژه سعی در اثبات آنها دارد.

وی قبل از این تفسیر کتابی با عنوان «مدخل الی القرآن» در موضوع علوم قرآن تألیف است. این کتاب که محصول سال ۲۰۰۶ اوست، سبب می‌شود که او از سوی مجامع، محافل و اشخاص مختلف به خاطر دیدگاه‌هایش مورد انتقاد قرار گیرد و حتی فتاوای تکفیر نسبت به او از سوی الازهر مصر داده شود.

دکتر عابد الجابری پس از این کتاب، بخش اول از پروژه نگارش تفسیر قرآنی‌اش را با عنوان «فهم القرآن الحكيم؛ التفسير الواضح حسب ترتيب النزول» ارائه می‌کند. این تفسیر شامل سه جلد است که مؤلف طی آن نتیجه کلی و عملی‌ای را که از مطالعه و پژوهش تفاسیر قرآنی به دست آورده است، منعکس می‌کند.

مؤلف در کتاب خود به این مطلب اشاره می‌کند که پذیرش این مسئله که قرآن کریم به هر زمان و مکانی تعلق دارد، حکم می‌کند که ما نیز با دگرگونی و تحولات

شرایط هر عصری، فهم امروزی از قرآن کسب کنیم. وی در توضیح روش خود بیان می‌کند که با قرآن به مثابه نصی که بر حاشیه‌ها و پاورقی‌هایش عبارت‌ها، مثل‌ها، قصه‌ها، وعد و وعیدها و ... نوشته می‌شود، برخورد نکرده است.

وی اضافه می‌کند که هدفش توضیح این مسئله است که فهم قرآن کریم فقط نگاه کردن به متنی که حاشیه و پاورقی‌اش مملو از تفسیرها و تأویلات است، نمی‌باشد. همچنان که مراد از تفکیک این نص از آن حاشیه‌ها و پاورقی‌ها، کنار گذاشتن و عدم توجه به آنها نیست، بلکه پیوند دادن آنها به زمان و مکان خودشان است تا ارتباط ما در این عصر با همان نص که اصالت دائمی دارد، تسهیل شود.

مؤلف در مورد تسلسل سوره‌ها معتقد است هر چند قرآن کریم طی بیش از بیست سال بر پیامبر اکرم نازل شد، اما تسلسل سوره‌ها بر اساس ترتیب نزول، دارای سلسله‌ای منطقی است که از نظر مفهومی نیز با حوادث و جریان‌های آن روزگار سازگاری دارد. از این رو جابری در کتاب خود مسیر وحی و دعوت پیامبر در مکه را به شش بخش تقسیم می‌کند؛ مرحله اول: ربوبیت، الوهیت و نبوت، مرحله دوم: رستاخیز، جزا و صحنه‌های قیامت، مرحله سوم: مذمت و باطل شمردن شرک و بت‌پرستی.

وی این مراحل سه‌گانه را از اولین سوره نازل شده (علق) تا سوره یوسف که ۵۲ سوره نازل شده است، می‌شمرد که جلد اول تفسیر «فهم القرآن الحکیم» را شامل شده است. ۳۸ سوره مکی دیگر محتوای جلد دوم این تفسیر را تشکیل می‌دهد که در سه مرحله دسته‌بندی شده است. جلد سوم کتاب نیز اختصاص به ۲۴ سوره دارد که همگی جزء سوره‌های مدنی هستند.

مراحل سوره‌های مکی در سه قسمت به تفسیر در آمده است. در قسمت نخست که با عنوان «استهلال» آمده، بیشتر خصوصیات کلی سوره، موضوعات و محورهای آن مورد بحث قرار گرفته و تفاوت مراحل مختلف توصیف و تبیین شده



است. در قسمت دوم، تفسیر هر یک از سوره‌ها دنبال شده و نویسنده به صورت بسیار کوتاه قسمت‌هایی از سوره را توضیح می‌دهد و در قسمت سوم که عنوان «استطراد» و «استشراف» گرفته، محورهای اصلی هر یک از مراحل به صورت مفصل به بحث و بررسی آمده است. وی در این بخش اشاره می‌کند که دعوت پیامبر اکرم از آغازین لحظات خود با توحید آغاز شد؛ لحظه‌ای که آیه «إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» تلاوت شد و در آن سه مرحله جریان یافت که عبارت‌اند از: تأیید و تثبیت نبوت، تصدیق روز رستاخیز و باطل شمردن شرک و بت‌پرستی.

جابری در تفسیر قرآن با ساماندهی و تنظیم - اغلب - موضوعی روایات، اخبار و استنباط‌های بسیاری که مفسران نقل کرده‌اند، بر آن بوده است تا مقصودش روشن‌تر بیان شود. از این رو موضوع تفسیر هر سوره را به سه بخش مقدمه، حاشیه‌ها و تعلیق (شرح) تقسیم کرده است.

بخش مقدمه شامل معرفی کوتاهی است که جابری در آغاز هر سوره آورده و در آن مهم‌ترین روایات را درباره اسباب نزول سوره‌ها یا برخی از آیات یا روایاتی را که به فهم یا تعیین تاریخ نزول سوره یا شرایط نزول کمک می‌کند، ذکر کرده است. بخش حاشیه‌ها که در پایین صفحات آمده، شامل شروح و تعلیقاتی است که گاهی نیاز است ذکر شود تا خواننده از رأی و نظر مفسر خاصی یا روایات یا ملاحظات که آوردن آنها در داخل متن مقدور نیست، آگاه شود.

در بخش تعلیق هر سوره نیز مؤلف مهم‌ترین قضایایی را که در هر سوره بررسی می‌کند، همراه با رأی و نظر خود درباره آن را به صورت خلاصه و فشرده ذکر کرده است.

نویسنده فهم القرآن در سه مجلد تفسیر خویش، بیست و چهار موضوع را یاد کرده است. در جلد اول ده موضوع که عبارت‌اند از: ۱. سحر ۲. وسواس ۳. اصحاب اخدود ۴. رب، الله و رحمان ۵. رؤیت خدا در قیامت ۶. حروف مقطعه ۷.

جنت و نار ۸ جن و شیطان ۹. عباد الله و عباد الرحمن ۱۰. توحید، اصنام و تصویر.

در جلد دوم هفت موضوع به بحث گرفته شده که عبارت است از: ۱. رؤیت، کلام و خلق قرآن ۲. ارواح و عذاب قبر ۳. امکان حشر و عذاب قبر ۴. خلود و حشر چهار پایان و تناسخ ۵. روح ۶. رؤیت ۷. هجرت به مدینه.

در جلد سوم نیز این موضوعات به بحث گذاشته شده است: ۱. نسخ در قرآن ۲. محکم و متشابه ۳. همسران پیامبر ۴. ازدواج موقت ۵. قصه افک ۶. اخبار از منافقان ۷. اسباب نزول و مثال تحریم خمر.

او در این کتاب تلاش کرده است تا درباره فهم قرآن از طریق نزول آیات و نه بر اساس ترتیب آیات، رسیدن به یک تصور منطقی برای رسیدن به متن تکوینی قرآن و رسیدن به یک تصور موضوعی برای درک وحی نبوی را واکاوی کند. این تفسیر در سال ۲۰۰۸ میلادی در لبنان چاپ و منتشر شد.

۹- أحسن القصص؛ تاریخ الإسلام كما ورد من المصدر، مع ترتیب السور حسب النزول؛ ابن قرناس

این اولین کتابی است که تاریخ صدر اسلام و عصر نزول قرآن را فقط بر اساس آیات قرآن به نگارش در آورده و از هیچ کتاب دیگری در این خصوص استفاده نکرده است. نویسنده، این روش خود را دلیلی آشکار بر همراهی و موافقت کامل قرآن با زندگی مسلمانان و انکار این ادعا می‌داند که قرآن فقط یک کتاب دینی و عبادی است و هیچ ارتباطی به وقایع رخ داده در زندگی عمومی مردم عصر نزول ندارد.

این کتاب از دو بخش تشکیل شده است:



بخش اصلی کتاب شامل ثبت اتفاقاتی است که از زمان شروع رسالت پیامبر در مکه مبنی بر دعوت مردم به آیین اسلام آغاز شده و تا وفات ایشان ادامه می‌یابد. در این بخش حقایق زیادی مطرح می‌شود که کتاب‌های تاریخی یا بدان‌ها نپرداخته‌اند و یا از راه‌های مختلف دیگر که چندان قابل اعتماد نیستند، نقل کرده‌اند.

همچنین در این بخش از سیر زندگانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و تعداد همسران ایشان و عمر شریف آن حضرت در زمان آغاز رسالت و هنگام وفات و موارد مشابه دیگر سخن به میان می‌آید. نیز در مورد حضرت ابراهیم و مکان زندگی وی و هجرت ایشان و تعداد فرزندان ایشان سخن رفته است. و اینکه مصر کجاست و فرعون کجا غرق شد و چاه مدین در کجا واقع است و حضرت عیسی در کجا به دنیا آمد و زندگی کرد و...؛ موارد تاریخی بسیاری که بر خلاف آموخته‌های ما از کتب تاریخی است و تمام آنها فقط از قرآن استخراج شده است.

بخش دوم کتاب مربوط به ترتیب نزول سوره‌های قرآن بر اساس یک روش ثابت و واضح است، چرا که بنا به اعتقاد نویسنده، شناخت ترتیب نزول سوره‌ها برای پی بردن به اتفاقات رخ داده در عصر نزول امری مهم و ضروری است، همان طور که این شناخت فهم آیات و مراد آنها را بدون نیاز به تأویل و تفسیرهای مختلف آسان و راحت می‌کند.

این کتاب در سال ۲۰۱۰ میلادی در بیروت به چاپ رسیده است.

۱۰- تفسیر القرآن المرتب منهج للیسر التربوی؛ اسعد احمد علی

اسعد احمد علی، اندیشمند عرب‌زبان و سوری تبار متولد سال ۱۹۳۷ میلادی است. وی در چند رشته دارای دکتراست و مدرک دکترای عرفان خود را از دانشگاه تهران گرفته است.

اسعد احمد علی معتقد است نزول سوره‌های قرآن بر اساس یک سیر تربیتی مدون و جامع صورت گرفته که در نهایت منجر به تربیت امت اسلامی در زمان رسول خدا شده است. از این رو وی در کتاب خود، تربیت اسلامی - قرآنی را بر اساس ترتیب نزول آیات و سوره‌ها تنظیم و تدوین می‌کند.

در طرح او تربیت قرآنی شش مرحله داشته و دارد:

مرحله نخست: شناسایی و نشان دادن حکمت تربیتی جاودان

مرحله دوم: طلوع سپیده دم

مرحله سوم: بیداری و شکوفایی ژرفای عناصر تربیتی

مرحله چهارم: بیداری و خیزش امت عدل و حق

مرحله پنجم: مرزیابی و مشخص ساختن بین فطرت و دلخواه‌ها

مرحله ششم: تداوم و استمرار پیروزی‌ها

اسعد احمد علی در هر یک از این شش مرحله، تفسیر نوزده سوره قرآن را بیان می‌کند. نویسنده در پرتوی این تعابیر ادبی، نکات محتوایی را مطرح می‌کند. به عنوان نمونه مرحله نخست را به چند دوره تقسیم و در ابتدا دوره‌ای به نام دوره علاقه و ارتباط را ذکر می‌کند که مقطع نزول سوره‌های علق، قلم، مزمل، مدثر و فاتحه است.

به نظر وی در این دوره و همزمان با نزول سوره‌های یاد شده، چند مفهوم اعدادی و تمهیدی مطرح می‌شود:

۱. قرائت: این مفهوم در سوره علق مورد توجه قرار می‌گیرد و موضوع و جهات قرائت را بازگو می‌کند.

۲. کتابت: این مفهوم در سوره قلم مورد عنایت است.

۳. برنامه‌ریزی روزانه و عمل به دستورات الهی: که موضوع نخستین سوره مزمل است.



۴. امر به تعامل و ارتباط اندازی: که در سوره مدثر پیامبر ﷺ مأمور به آن می‌شود.

۵. ارزیابی و محاسبه: که در سوره فاتحه بدان پرداخته شده است. بنا به اعتقاد وی، موارد فوق همان سیری است که در عصر حاضر، تربیت انسان‌ها بر اساس آن در جوامع مختلف صورت می‌گیرد و این دوره‌ای است که زمینه را برای ورود به دوره پسین که دوره مواجهه و برخورد با مخالفان است، فراهم می‌کند. (۳۹-۵۱)

نویسنده همچنین دیگر مراحل شش‌گانه فوق را به موارد مختلف تقسیم می‌کند. اولین چاپ این کتاب مربوط به سال ۱۹۷۹ میلادی است و چاپ اخیر آن در سال ۲۰۰۴ در دمشق انجام یافته است.

۱۱- تفسیر تحلیلی قرآن کریم؛ جمشید ابزاری

آقای جمشید ابزاری نیز از نویسندگان معاصر است که بر اساس نظریه تفسیر به ترتیب نزول اقدام به نگارش مجموعه «تفسیر تحلیلی قرآن کریم» نموده است. ایشان در این مجموعه که در ابتدا با عنوان «مقدمه‌ای بر تفسیر تحلیلی قرآن کریم» در هشتاد صفحه در سال ۱۳۸۱ منتشر شد، به مبانی، اصول، اهمیت و ضرورت روش تفسیر بر اساس ترتیب نزول پرداخته‌اند. ایشان در مقدمه این تفسیر می‌گویند:

«هدف اصلی از ارائه این کتاب علاوه بر ارائه تفسیری «نو» از قرآن کریم، نشان دادن اصالت و کارایی و فواید روشی است که زیربنای این تفسیر است تا علاوه بر کاربری تفسیری، قسمتی از ارزش‌های روش مذکور را نشان دهد و توجه خواننده خاص را برای بررسی و ارزیابی دقیق‌تر آن برانگیزد تا سایر مزایا و امکانات آن نیز شناخته شود. به همین خاطر سعی شده است که این کتاب

لزوماً یک جلدی و کم صفحه و نتیجتاً ارزان عرضه شود.»

ویژگی‌های این تفسیر به شرح زیر می‌باشد:

۱- تفسیری است کوتاه، ساده، فشرده، به صورت تحلیلی، همراه با ترجمه فارسی روان از متن قرآنی.

۲- محوریت تفسیر استخراج پیام‌های قرآن در قالب درس و درب است. هدف این تقسیم‌بندی تأکید بر برجسته کردن نقش هدایت و تربیت این کتاب آسمانی است. در این کتاب سعی شده آن پیام‌ها کشف و عرضه شود و خواننده با خواندن آیات، هم متن را بهتر بفهمد و هم پیام‌های اصلی آیه را دریابد.

۳- در این تفسیر، در هر پاراگراف، به ترتیب چهار بخش متمایز قابل تشخیص است: متن عربی، خلاصه تفسیر همان پاراگراف، ترجمه فارسی و شرح مختصر بعضی از عناصر پاراگراف که نیاز به شرح دارد. تفسیر خلاصه پاراگراف در یک کادر تحت عنوان «درس» و «درب» درج گردیده که به ترتیب «خلاصه پیام سوره» و «خلاصه پیام همان پاراگراف» است که اولی به روشی که در مقدمه مؤلف به تفصیل تشریح شده، از خود سوره استخراج گردیده و دومی «برآیند» درس سوره و متن پاراگراف است.

چون در هر پاراگراف «درس» تکرار می‌شود، از این رو خواننده در سوره‌های نسبتاً بلند و بلند، سیر منطقی مطلب را از دست نمی‌دهد و استفاده بهتری از مطالب سوره می‌کند.

متن کامل این کتاب در سایت www.analyticquran.com موجود می‌باشد.



۱۲- مطالعه قرآن به ترتیب نزول سوره‌ها؛ سید منذر حکیم

آقای حکیم متولد ۱۳۳۲ شمسی در کربلاست و دروس خارج فقه و اصول خود را در حوزه قم گذرانده است. وی در صفحات کوتاهی در شماره‌های ۱ و ۲ فصلنامه «مدیریت در اسلام» به موضوع مطالعه قرآن به ترتیب نزول سوره‌ها پرداخته است.

* * *

آنچه بیان شد، حاصل تفحصی است که در مورد کتابشناسی تفسیر قرآن بر اساس ترتیب نزول صورت گرفت. هر چند نگارنده مدعی نیست که تمام آنچه در این موضوع نگاشته شده، گرد آورده و احتمال فراوان داده می‌شود که کتاب‌ها و یا مقالاتی نیز مغفول مانده است، اما این موارد جزء مشهورترین تألیفاتی است که در این زمینه به رشته تحریر در آمده و در دسترس می‌باشد.